

# سیری در ادبیات فارسی هندوپاکستان

محمد ریاض

دکتر در ادبیات فارسی - دانشیار دانشکده ادبیات  
دانشگاه تهران\*

خاک هند مانند خاکهای بسیاری از نواحی همجوار دورادور ایران وقت، جزو آن سلطنت قرار گرفته و بصورت یک ساتراپی (استان) درآمد بود. در کتیبه‌های داریوش بزرگ هخامنشی هم نواحی پنجاب و گندهارا (دره پیشاور) مذکور افتاده است. در سده چهارم پیش از میلاد مسیح پادشاه یونانی اسکندر به ایران و هند هجوم آورده و در عهد جانشینان یونان دوست وی سلوکیها، کیفیت روشن روابط شبه قاره و ایران را در دست نداریم بجز اینکه چندی بعد انطیوکس از پادشاهان اشکانی بین سال ۲۰۹ الی ۲۴ پیش از میلاد قسمت هند را از پیشاور تا پنجاب در دست داشته است. نمونه‌های هنر باستانی شبه قاره که در موزه‌های کشورهای هند و پاکستان نگاهداری می‌شود شباهت آن را به هنر باستانی ایران با ثبات می‌رساند.

از زمان ساسانی‌ها ارتباطات سرزمین شبه قاره با ایران توسعه یافته است. در بعضی از تواریخ و افسانه‌ها می‌بینیم که بهرام گور پادشاه ساسانی و شاهزاده بلاش پسر فیروز ساسانی هم گویا به هند رفته و چندی آنجا اقامت کرده‌اند<sup>۱</sup>. قلمرو پادشاه ساسانی قباد در قرن ششم میلادی قسمتی از هند را هم شامل بود و پسرش انوشیروان عادل برای گسترش سلطنت خود کوشید و قسمتی دیگر از هند را گشوده و جمعی از زرتشتی‌های ایران را هم در آن سامان نشانند.

انوشیروان نسبت به آداب و سنن مردم شبه قاره علاقه مفراطی داشته و عده‌ای از پزشکان و شطرنج‌بازان و ریاضی‌دانان و مترجمین هندی را در دربارش جای داده است<sup>۲</sup>. کتاب کلیله و دمنه توسط ندیم وی «برزویه» از شبه قاره با ایران آورده شده است. متن اصلی کتاب کلیله و دمنه (یا پندنامه کلیله) بزبان سانسکریت هنوز هم موجود است<sup>۳</sup> و گویا برهمنی کشمیری آن را تألیف نموده بود و برزویه طبیب که چندین سال در هند بوده و بزبان سانسکریت را نیکو میدانسته آن را به پهلوی

سرزمین‌های پهناور ایران و شبه قاره پیش از آمدن آریائی‌ها در این نواحی نیز از یک سو روابط همجواری و از سوی دیگر ارتباطات بازرگانی و فرهنگی را میان خود داشته‌اند. با کشف مناطق موهنجودارو و هاراپا که در خاک پاکستان وجود دارد معلوم گردیده که سرزمین شبه قاره هم مانند ایران در حدود ۱۵۰۰ الی ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح متمدن بوده و تمدن و فرهنگ باستانی این دو نواحی وسیع هم در بسیاری از موارد همانند بنظر می‌رسد.

در کتب مذهبی قدیم زرتشتی‌های ایران «گاتها» و وداهای هندوان شبه قاره، در برخی از سرودها و داستانها اشتراك و شباهتی بنظر می‌رسد و این موارد می‌تواند یادآور ارتباطات مردم ایران و شبه قاره باشد.

مردم آریائی از هر ناحیه دنیا که با ایران آمده باشند مهاجرانشان در این دو سرزمین همزمان بوده و چنانکه در تواریخ مذکور است مردم قبلی این نواحی بوسیله هجوم آریایی‌ها از بین رفته‌اند و بیشتر مردمانی که بعداً از این مناطق خاسته‌اند، از نژاد آریائی‌ها می‌باشند. صرف نظر از روابط شبه قاره هند و ایران که در کتب افسانه‌ها و داستان‌ها ذکر گردیده، ارتباطات تاریخی بین هر دو کشور از زمان خانواده سلطنتی مادها، که نخستین خانواده پادشاهان آریایی ایران میباشد، مشهود میشود. از اشارات تواریخ قدیم پیداست که بین پادشاهان ماد ایران و معاصرانشان در شبه قاره هدایا و ارمغانهایی مبادله می‌شده ولی در قرن هفتم پیش از میلاد سلطنت مادها تا داخل خاک شبه قاره هند و پاکستان وسعت یافته<sup>۴</sup> و نقطه مهم مرکز آن شهر سیالکوٹ بوده که نزدیک به شهر لاهور و مولد علامه اقبال شاعر ملی پاکستان میباشد (ولو اقبال بعلت اقامت طولانی خودش در لاهور، در ایران به «لاهوری» شهرت دارد).

در عهد سلطنت شاهنشاهان بزرگ هخامنشی قسمت عمده

برگردانده است. دو قرن بعد ابن مقفع (متوفی ۱۴۲ هـ) متن پهلوی را به عربی ترجمه کرد که بعداً به بسیاری از زبانهای دیگر دنیا ترجمه شده است. کلیله ودمنه ابوالمعالی نصرالله (منشی دربار سلطان بهرام شاه غزنوی ۵۴۷ هـ) و انوار سهیلی ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری (م - ۹۱۰ هـ) و عیار دانش جمع آورده ابوالفضل علائی اکبر آبادی (م ۱۰۱۱ هـ) تهذیب و ترجمه همان متن میباشد. خسرو پرویز ساسانی در ظرافت دوستی و مودت معروف است. در تواریخ<sup>۷</sup> می بینیم که او با پادشاهان شبه قاره هدایای مختلف مبادله می کرده است. از سطور مزبور روابط ایران و شبه قاره باستانی را می توان حدس زد و مشاهده کرد. در دهه اول قرن هفتم میلادی خورشید دین اسلام در سرزمین حجاز طلوع کرده و تعلیمات این دین مبین در نیمه قرن مزبور بایران راه پیدا کرده و چندی بعد از این سامان به شبه قاره گسترده شد.

#### اسلام در شبه قاره از راه ایران :

روابط بازرگانی مردم عرب و بومیان شبه قاره از راه دریایی از دیرباز موجود بوده و نخستین بار بوسیله بازرگانان مسلمان بود که مردم سواحل شبه قاره از دین اسلام اطلاعاتی بدست آورده و عده کم آنان دین آبائی شان را ترک گفته باین دین درآمدند.

در سال ۲۱ هجری ایران بدست اعراب گشوده شده و قشون عرب تا ۲۳ هجری قسمت مکران را نیز که شامل بلوچستان و پاکستان می باشد، بدست آورده و در نتیجه آن بسیاری از افراد عرب و ایرانی به هند راه پیدا کردند.<sup>۸</sup> در سال ۹۳ هجری واقعه مهم تاریخی روی داد که قشونهای عرب به راهبری محمد بن ثقفی به هند حمله کرده حاکم سند بنام داهر را شکست داد و پرچم اسلام را در استان سند از ساحل دریای عرب تا مولتان باهتر از در آورد. بدین وسیله نخستین سلطنت اسلامی در محیط هند بوجود آمد که در حدود دو بیست سال منوط بخلافت اموی و عباسی بود و سپس به نامهای دیگر درآمد.

محمد بن قاسم ثقفی از راه ایران به هند رفت. او در حدود ۶ ماه در شیراز اقامت کرد و شصت هزار افراد ایرانی را نیز جزو قشون خود نمود.<sup>۹</sup> پیداست که هجوم وی به هند از نظر گسترش زبانهای عربی و فارسی به آن سامان نیز مهم بوده و چون زبان فارسی به علت همسایگی ایران و نواحی گشوده شده سند، پیش از آن هم کمی مفهوم بوده در نتیجه اقامت سربازان فارسی زبان در آن نقاط سرعت توسعه پیدا کرده و با وجود مزیت زبان عربی بعنوان زبان دینی فارسی بزودی به صورت زبان عامه درآمد.

در اوایل قرن دوم هجری رودخانه سندرا مهران

می نوشتند و خاک دورادور رودخانه مزبور در حال حاضر هم بنام دره مهران<sup>۱۰</sup> شهرت دارد و همین طور شهری بنام برهمن آباد وجود داشته که اینک به منصوره موسوم است و اسمهای مهران و برهمن آباد نفوذ سریع زبان فارسی را در سامان مذکور آشکار می سازد.

#### توسعه خاک ایران تا سند و مولتان :

از قرن سوم هجری حکومت نیم مستقل طاهریان در ایران تشکیل شد و بدنباله آن دودمان صفاریان سیستان بروی کار آمد. صفاریان، بویره یعقوب بن لیث و برادرش عمرو بن لیث حکومت سند و مولتان را هم بدست داشتند و بدیهی است که این امر بر توسعه زبان فارسی در نواحی مزبور افزوده و طبق شواهدی که در دست است در آن ایام زبان فارسی به عنوان زبان تکلمی درآمد<sup>۱۱</sup> بود و مخصوصاً مردم در نواحی مکران و مولتان بدان زبان صحبت میکردند. در چنین محیطی بود که نخستین شاعر معروف فارسی تولد یافت.

#### رابعه بنت کعب

رابعه از ناحیه قزدار (قصدار) بلوچستان خاسته است. از تاریخ ولادت و درگذشت او اطلاعی نداریم مگر اینکه جزو معاصرین رودکی سمرقندی بوده و در عهد سامانیان زیسته است. او از خاندان محترمی از اعراب بوده و پدرش «کعب» به عنوان یکی از اعمال قزدار شهرت داشته است. شاعره مزبور که بعشق جوانی با اسم بکناش متهم و گویا بدستور برادرش حارث کشته شده، دارای عواطف و جذبات لطیف بوده و پیش از پنجاه بیت

\* نثر فارسی این سلسله مقالات از نویسنده که پاکستانی الاصل هستند، میباشد.

۱- راهنمای زبان سانکریت چاپ دانشگاه تهران ص ۳۲.

۲- ادب نامه ایران مؤلفه پرفسور مقبول بیگ بدخشانی چاپ لاهور ص ۱۱.

۳- میراث ایران (مترجمه بفارسی) مقاله ایران و دنیای قدیم.

۴- ادب فارسی در پاکستان (اردو) از دکتر ظهورالدین احمد، لاهور مقدمه در سیر روابط.

۵- ادب فارسی در کشمیر (اردو) مؤلفه پرفسور سروری مرحوم ص ۱۰.

۶- راهنمای سانکریت ص ۴۳.

۷- تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند لاهور ج ۱ : مقدمه تاریخ.

۸- مختصر تاریخ ادب فارس (اردو) پیشاور ص ۴.

۹- ایران بهمد ساسانیان (مترجمه اردو) ص ۳۷.

۱۰- بنام وادی مهران طبق استعمال کلمه وادی بجای دره در شبه قاره.

۱۱- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم طبع لیدن ص ۳۲۵.

ازوی را در کتب تواریخ و تذکره و لغت<sup>۱۲</sup> و غیره می توان مشاهده کرد. از آنجمله آنست:

عشق او باز اندر آوردم به بند  
کوشش بسیار نامد سودمند  
توسنی کردم ندانستم همی  
گر کشیدن سخت تر گردد کمند

\*

مرا به عشق همی متهم کنی بحیل  
چه جغت آری پیش خدای عزوجل  
بعشقت اندر عاصی چنان نیازم شد  
بدینم اندر طاعت همی شوم بمثل  
نعیم بی تو نخواهم حجیم با تو رواست  
که بی تو شکر زهر است و با تو زهر غسل  
بروی نیکو تکیه نکن که تا یکجند  
بسنبل اندر پنهان کند بخم زحل

در سال ۳۷۲ هـ مولتان و نواحی آن تحت تسلط فاطمیان و اسماعیلیان که از حمایت خلیفه عزیز بالله فاطمی مصری برخوردار و به راهبری حکیم بن شبان<sup>۱۳</sup> باین منطقه حمله کرده بودند، درآمد و این بساط بعداً بدست سلاطین غزنوی برچیده شد.

### سلاطین دوره غزنوی و توسعه فارسی:

سلاطین غزنوی ها از حیث توسعه دین اسلام و زبان و ادبیات فارسی در نقاط زیاد شبه قاره و غلبه مسلمانان در آن دیار بسیار مهم است. سرسلسله غزنوی ها سلطان ناصرالدین سبکتکین (م ۳۸۷ هـ) از سال ۳۷۶ هـ به بعد چندبار به هند حمله کرد و حاکمان هند را شکست داد ولی نواحی آن سامان تحت سلطه مستقل وی در نیامد چون حاکمان مزبور در مورد قبول اطاعت و ادای خراج وفادار نمی ماندند. فرزند نامی وی سلطان محمود غزنوی که هفده بار به شبه قاره حمله کرده و همیشه فاتح مانده بود، در سال ۴۰۱ هـ به حکومت اسماعیلی ها و قرامطه در سند و مولتان خاتمه داد و تا سال ۴۱۸ هـ قسمت مهم هند را به تصرف خود در آورد و هزاران نفر غیر مسلمان را بوسیله مبلغان و عالمان لشکر خود با اسلام آشنا ساخته و باین دین گروانده بود. در نتیجه تهاجمات محمود و ورود شعرا و ادبا و علما و عامه فارسی زبان به هند، زبان و ادبیات فارسی در نقاط پاکستان و هند بفتح و توسعه بی سابقه دست یافت و تا اشغال کلی خاک شبه قاره هند بوسیله اروپائیان در ربع دوم قرن سیزدهم هجری زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و علمی و ادبی آن سرزمین پنهان باقی ماند.

تشویق و ترغیب سلطان محمود و امرای وی از شعرا و ادبا

نیز در گسترش شعر و ادب فارسی بسیار مهم بوده است چنانکه تذکره نویسان صراحت کرده اند دربار محمود دارای قریب چهارصد شاعر و نویسنده بوده است.

### لاهور به عنوان غزنین خرد:

در عهد غزنویان که تا سال ۵۸۲ هـ ادامه داشته شهر لاهور کرسی استان پنجاب کنونی پاکستان بعنوان مرکز مهم ادب و فرهنگ فارسی درآمد بود و خوشبختانه این شهر در سیر تحولات ایام مقام مهمش را تا کنون حفظ کرده و می کند. از سال ۴۰۵ هـ سلطان محمود یکی از امرای خود را به نام ساروغ<sup>۱۴</sup> در لاهور بعنوان نایب برگزیده و تعیین نموده و از آن به بعد نائبین سلاطین غزنوی در آن شهر وجود داشته اند. در نتیجه تهاجمات غوری ها به پایتخت غزنه و همه سوزی علاءالدین جهانسوز غز، سه پادشاه آخر سلسله غزنوی، بهرام شاه و خسرو ظهیرالدوله و خسرو ملک بیشتر در لاهور بسر برده اند و تاجگذاری پادشاه اخیر الذکر هم در این شهر بعمل آمد.

در نتیجه اقامت پادشاهان و امرای غزنوی در لاهور بسیاری از شعرا و ادبای فارسی باین سامان گراییده و برای همین است که این شهر بعنوان غزنین خرد یا غزنین ثانی تلقی گردیده است. در میان ادبا و شعرای مهم غزنوی که در لاهور مقیم بوده اند سید علی جلالی هجویری معروف به داتا گنج بخش (م در حدود ۴۸۰ هـ)، ابوالفرج رونی لاهوری (م تقریباً ۴۹۷ هـ) و مسعود سعد سلمان لاهوری (م ۵۱۵ هـ) را میتوان نام برد.

سید علی ملقب به ابوالحسن از متصوفه معروف و مبلغین نامی قرن پنجم هجری<sup>۱۵</sup> است و کتاب کشف المحجوب از ارکان تصوف اسلامی و یکی از قدیمیترین کتبی است که در این باب بفارسی نوشته شده است. آرامگاهش در لاهور مرجع عوام و خواص می باشد. او از دهکده جلاب غزنین بوده و پس از آن به هجویر از توابع همان شهر شتافته و گویا در سال ۴۳۱ هـ به لاهور آمده و به ارشاد مطالب دین و تبلیغ اصول و عقاید پرداخته است. علی هجویری دومین مبلغ مهم اسلام است که بعد از شیخ اسمعیل بخارائی (م ۳۹۵ هـ) به هند آمده است. کشف المحجوب وی ۳۴ باب دارد و شامل بحث های عرفانی و روحانی و ذکر فرق متصوفه معاصر و بعضی اصطلاحات تصوف است، و نگارنده گاهگاهی در بین السطور از کتب پیشینیان که در نگاشتن کتاب با آنها نظری داشته ذکر نموده است. سبک این کتاب کهنه و نزدیک به روش نویسندگان سامانی است<sup>۱۶</sup> و در عین حال کتابی است جزیل و متین و موجز.

ابوالفرج بن مسعود رونی لاهوری شاعر صاحب دیوان است که قصیده و غزل و رباعی و قطعه نیکو سروده و شعرای

بزرگ بعدی چون مسعود سعد سلمان و انوری ابیوردی و ظهیر فاریابی و فیضی فیاض اکبر آبادی سبک شعر و مقام وی را ستوده‌اند :

سخن خواجه بوالفرج بدرست

گوهر نظم و نثر را کان گشت

خاطر من چو گفته او دید

از همه گفته‌ها پیشیمان گشت

(مسعود سعد)

باد معلومش که ره بندد بشعر بوالفرج

وز عذوبت مشرب عیشت چو نظم فرخی

(انوری)

ذوقی که توان گرفت از شعر

از شعر ابوالفرج گرفتم

(فیضی)

راجع به نسبت رونی ابوالفرج و کیفیت مکانی ناحیه رونی یا رونه یا رونک یا روین محققین اختلاف نظر دارند که آن قسمتی از لاهور یا ناحیه‌ای از ناحیای خراسان ایران بوده است<sup>۱۷</sup> وی مولدش خراسان می‌باشد یا لاهور، اما قسمت مهم زندگی خود را در لاهور گذرانده و گویا در همانجا در گذشته است.

دیوان اشعار ابوالفرج رونی در ایران چاپ شده، تحقیقاتی درباره وی نیز به عمل آمده و می‌آید. نمونه‌ای از اشعار وی را با اضافه یک رباعی در زیر ملاحظه می‌فرمایید :

چو سر رشته خویش گم کرده‌ام

به عالم یکی رهبرم آرزوست

مرا خورد یکبارگی غم دروغ

بگیتی یکی غمخورم آرزوست

زر و زیور من قناعت بس است

نگویم زر و زیورم آرزوست

در این عهد ناخوش که قحط‌ساخت

نگویم که سیم و زرم آرزوست

\*

تا یک نفس از حیات باقی است مرا

در سر هوس شراب و ساقی است مرا

کاری که من اختیار کردم این بود

باقی همه کار اتفاقی است مرا<sup>۱۸</sup>

مسعود سعد سلمان لاهوری

اصلش از همدان است ولی در لاهور متولد شد. پدرش سعد بن سلمان یکی از عمال سلطنت غزنوی بوده که از سال

۴۲۷ هـ از غزنه به لاهور کوچ کرده و در همانجا بود که در حدود سال ۴۳۸ هـ مسعود متولد شد. مسعود علوم و فنون متداول عصر را بخوبی کسب نموده و در جوانی جزو ندیمان شاهزاده سیف‌الله محمود فرزند سلطان ظهیرالدوله ابراهیم غزنوی (۴۵۱ - ۴۹۲ هـ) درآمد و بعلت فتنه‌انگیزی حسودان که بداختلاف نظر سلمان و شاهزاده مسعود منجر شد، ده سال در حصارهای دهک و سوی و نای هند محبوس مانده و در عهد سلطان علاءالدین مسعود سوم (۴۹۲ - ۵۰۸ هـ) نیز هشت و بقولی سیزده سال در حبس بسر برده و بعد از رهایی بعنوان کتابدار کتابخانه سلطنتی غزنویان در غزنه بسر برده است.

مسعود سعد سلمان یکی از ارکان مسلم شعر فارسی است. می‌گویند به زبانهای عربی و فارسی و هندی دواوین جداگانه داشته ولی اینک دیوان فارسی و چند شعر عربی وی در دست است و از دیوان هندی اش اطلاعی نداریم.

مسعود آنطور که محققین به پایه اثبات رسانده‌اند مبتکر و مبدع سه نوع موضوع شعر است و این نوع شعر را قدیم‌تر از مسعود<sup>۱۹</sup> تا کنون بدست نیاورده‌ایم :

۱- حبسیات (شعرهای زندانی).  
۲- شهر آشوب (وصف اصناف و پیشه‌وران و اوضاع شهرها).

۳- مستزاد (که قسمت کوتاه مصراع‌ها از روی معنی با مصراع‌های بلندتر منوط بنظر میرسد).

حبسیات مسعود سعد بسیار مؤثر و پرسوز و ساز است، و شاعر حساس، رنج و محنت روحی خود را آنطور بیان داشته که خوانندگان متأثر می‌گردند و تحت تأثیر گفته شاعر قرار می‌گیرند. با وجود این همه ناراحتی‌ها، شاعر لهجه مردانه و جرأت‌آموزانه خود را حفظ کرده و مردم را به تحمل شاداند توصیه می‌نماید: مثلاً :

۱۲- از رابعه تا پروین اثر کناورز صدر تهران ص ۱۲۲-۱۲۳

۱۳- ادب فارسی در پاکستان ج ۱ ص ۱۴.

۱۴- لاهور، ماضی و حال (بزبان انگلیسی) دکتر محمد باقر، لاهور ص ۵۱.

۱۵- ر - ك سبک‌شناسی شادروان بهار «کشف‌المحجوب».

۱۶- داتا گنج بخش (انگلیسی) دبیرخانه سازمان عمران منطقتهای تهران.

۱۷- مآثر لاهور مرتبه سید هاشمی فریدآبادی، لاهور و نیز ادب فارسی در پاکستان ج ۱: ص ۴۸.

۱۸- ارمغان پاک مرتبه شادروان دکتر اکرام، کراچی ص ۸۴

۱۹- مباحث (اردو) دکتر سید محمد عبدالله لاهور، مکتب خراسانی در شعر فارسی اثر دکتر محجوب و شهر آشوب فارسی تألیف احمد گلچین معانی: «نخستین شهر آشوب».

سر به پیش خسان فرو نام  
 که من از کبر سرور چمنم  
 منت هیچ کس نخواهم از آنک  
 بنده کردگار ذوالمنم  
 گر زخورشید روشنی خواهد  
 دیدگان را ز بیخ و بن بکنم  
 \*\*\*  
 از فلک تنگ دل مشو مسعود  
 که فراوان ترا بیازارد  
 بد میندیش و سر جو سرو برآر  
 گر جهان برسرت فرو آرد

در شهر آشوب‌های خود مسعود بیشتر اصناف و پیشه‌وران شهر لاهور را توصیف نموده است. دیوان شاعر با مقدمه فاضلانه استاد شادروان رشید یاسمی چاپ و تجدید چاپ شده است. اینک با نقل قطعه کوتاهی از مسعود سعد بانام «اختران مأمور» از ذکر وی به سبب شهرت زیادش دست می‌کشیم:

از پی این عبیر میریزند  
 وز پی آن حنوط می‌سایند  
 نکند آنکه رأی و کام کسی  
 زانکه خود کامکار و خود رأیند  
 قطره‌ی آب خاک را ندهند  
 تا بخون روی گل بیالایند  
 گنه و عذرشان خردمندان  
 نه بگویند و هیچ نستانند  
 خلق را پاره پاره دربندند  
 پس از آن بند بند بکشایند  
 همه فرمان‌بران یزدانند  
 تا ندانی که کارفرمایند

جانشینان غزنویان، غوریان بودند (۵۸۲ - ۶۰۲ هـ) و در عهد سلطنت پادشاهان این سلسله فتوحات مسلمانان در داخل شبه قاره هند و پاکستان ادامه یافت. بعد از غوریان، سلاطین مملوک (غلامان) بروی کار آمدند. (۶۰۲ - ۶۸۶ هـ) ولی از این سلسله پادشاهان و چندین سلسله‌های بعدی در ادوار تاریخ شبه قاره هند و پاکستان به عنوان «سلاطین دهلی» یاد می‌کنند چه آنان شهر دهلی را بعنوان پایتخت برگزیده و لاهور را برای نائبین خود باقی گذاشته بودند. سلسله‌های یاد شده عبارتند از مملوکان یا غلامان مذکور فوق، خانوادۀ خلجی‌ها (۶۸۹ - ۷۲۱ هـ)، دودمان تغلق‌ها (۷۲۱ - ۸۱۷ هـ)، سلاله سادات (۸۱۷ - ۸۵۲ هـ) و سوری‌ها

(۸۵۲ - ۹۳۳ هـ) و بعد از آن باری‌ها یا تیموریان شبه قاره روی کار آمدند (۹۳۳ - ۱۲۷۳ هـ).

### سلاطین دهلی و وضع زبان و ادبیات فارسی:

در عهد سلاطین دهلی، زبان و ادبیات فارسی در سراسر گوشه و کنار شبه قاره توسعه پیدا کرده و علاوه بر مسلمانان، هندوان هم ۲۰ بیاد گرفتند زبان فارسی و تصنیف و تألیف و سرودن شعر بدین زبان ساعی بودند. سرسلسله پادشاهان مملوک قطب‌الدین ایبک برای تألیف کتاب «تاج‌المآثر» به تاج‌الدین محمد نظامی دستور داده (سال ۶۰۲ هـ) و این کتاب شامل وقایع تاریخی شبه قاره از سال ۵۸۷ الی ۶۱۲ هـ می‌باشد ولی متأسفانه بیشتر متکلفانه و مصنوع نوشته شده است. همین پادشاه دستور بنای مسجد قوت‌الاسلام در نزدیکی دهلی را صادر نموده که بعداً بمناسبت انتساب آن به صوفی نامی خواجه بختیار کاکلی (م ۶۳۴ هـ) به نام «منار قطب» معروف گردیده و یکی از بناهای بسیار مهم شبه قاره شبهه سیک ایران محسوب می‌شود. سلاطین مملوک دولت‌های تحت حمایتشان را نیز در نقاط دور دست داشتند مثلاً دولت ناصرالدین قباچه در ناحیه اچه (بهاولپور) که محمد عوفی صاحب تذکره لباب‌الالباب و کتاب جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات و نیز ابو عمرو منهاج‌الدین عثمان جوزجانی صاحب تاریخ طبقات ناصری بدر بارش توسل داشته‌اند. نویسندگان مزبور در نتیجه هجوم مغول‌ها در ایران به آن سامان پناه برده بودند.

تاریخ طبقات ناصری در سال ۶۵۸ هجری به تکمیل رسیده و بنام سلطان ناصرالدین محمود از سلاطین مملوک ممنون و منسوب گردیده است. سیک نگارش این کتاب ساده و سلیس است. وی طبق روش زمان، القاب پادشاهان و سنین را به عربی در آورده است.

علاوه بر اچه مذکور، شهر مولتان هم در نتیجه تشویق شاهزاده محمد پسر سلطان غیاث‌الدین مملوک، بعنوان مرکز شعر و ادب فارسی درآمد بود و بزرگان ادب مانند عراقی همدانی (م ۶۸۸ هـ) داماد و خلیفه مجاز شیخ بهاء‌الدین زکریا مولتان‌ی م در حدود ۶۶۴ هـ و امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ هـ) و خواجه حسن سجزی (م ۷۳۷ هـ) مدتی را آنجا گذرانده‌اند. ادامه دارد

۲۰ - گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته): فارسی در عهد سلاطین دهلی.

۲۱ - میراث ایران (مترجمه): هند و ایران.